

به نام خدا

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبانشناسی و زبانهای ایرانی

پایان نامه برای دریافت درجهی کارشناسی ارشد در رشتهی فرهنگ و زبانهای  
بایستانی

ریشه‌یابی افعال و اشتقاقیات فعلی متون  
مانوی ترفانی

نگارش: لیلا رعیت

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۷

استاد راهنما: دکتر مجتبی منشی‌زاده

استاد مشاور: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶

۹۸۴۹۰

## سپاسگزاری

سپاس فراوان از اساتید گرامی و عزیز گروه زبانشناسی و زبانهای ایرانی دکتر مجتبی منشی زاده و دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق که همچون خورشیدی تابان ، روشنگر مسیر و راه علم و تحصیل و نیز تکیه گاهی محکم و استوار برای دانشجویان بوده اند . همچنین از دکتر رضایی و دکتر منصوری کمال سپاس و تشکر را دارم که با معرفی کتب و منابع و ارائه خط مشی در این راه هادی من بودند .

# فهرست

- ۱ ..... چکیده - کلیدواژه
- ۲ ..... کوته‌نوشت‌ها
- ۴ ..... • پیشگفتار
- ۶ ..... • مقدمه
- ۱۰ ..... • بخش اول
- حرف‌نوشت ، آوانوشت و معنی واژگان
- ۳۵ ..... • بخش دوم
- بررسی و تحلیل واژگان  
یافته‌های جدید و نتیجه‌گیری
- ۲۰۰ ..... • بخش سوم
- الفبا و حروف مانوی
- ۱- نظام الفبای مانوی
- ۲- حروف الفبای مانوی
- ۲۰۳ ..... • کتابنامه
- چکیده انگلیسی  
کلیدواژه انگلیسی  
عنوان انگلیسی

## چکیده

در این پژوهش اکثر افعال و اشتقاقیات فعلی دو زبان فارسی میانه ترفانی و نیز پارسی ترفانی بررسی و ریشه‌یابی اشتقاقی شده‌اند. در صورت وجود معادل در فارسی میانه زرتشتی، اوستا، فارسی باستان، سغدی، سنسکریت، متون پازندی، فارسی نو و از آنها ذکر به میان آمده و در تمامی موارد منبع استخراجی آنها ارائه شده است. همچنین در پایان نسبت ریشه‌های فارسی باستان و نیز اوستا در میان این واژگان نشان داده شده و نیز تفاوت‌های اندکی که بین نظریات پژوهشگران پیشین وجود داشته نیز ارائه و بر روی آنها بحث شده است.

## کلیدواژه‌ها

ریشه‌یابی، وند، الفبای مانوی، فارسی باستان، اوستایی، فارسی میانه زرتشتی، پارسی، فارسی میانه ترفانی، سغدی، سنسکریت

## کوتاه‌نوشت‌ها :

کوتاه‌نوشت‌های بررسی‌شده و تحلیل واژگانی

Abl.	Ablative	ازی
Acc.	Accusative	مفعولی بی‌واسطه
Adj.	Adjective	صفت
Adv.	Adverb	قید
Arm.	Armenian	ارمنی
Av.	Avestan	زبان اوستایی
Comp.	Comparative	تفضیلی
Dat.	Dative	مفعولی باواسطه
Fem.	Feminie	مونث
G Av.	Gathas Avestan	اوستایی گاهانی
Gen.	Genetive	اضافی
Gk.	Greek	یونانی
Imp.	Imperative	امری
Imp.	Imperfect	غیرکامل
Inst.	Instrumental	بایی
Interj.	Interjection	صوت
Lat.	Latin	لاتینی
Loc.	Locative	حالت دری
M.	Maskuline	مذکر
Mid.	Middle	ناگذر
MP.	Middle Persian	فارسی میانه
MPT.	Middle Persian Turfan	فارسی میانه ترفانی
MPZ.	Zoroastrian Middle Persian	فارسی میانه زرتشتی

N.	Noun	اسم
Neut.	Neutral	خنثی
Nom.	Nominative	اسمی
NP.	New Persian	فارسی دری/فارسی امروزی
OIr.	Old Iranian	ایرانی باستان
O Ind.	Old Indian	ہندی باستان
OP.	Old Persian	فارسی باستان
Opt.	Optative	تمنایی
Pass.	passive	مجہول
Pl.	Plural	جمع
PPP.	Present perfect passive	گذشتہ ی کامل مجہول
Preff.	Prefix	پیشوند فعلی
Sb.	Substanive	اسم
Sg.	Singular	مفرد
Skt.	Sanskrit	سانسکریت
Subj.	Subjanctive	وجہ التزامی
Suff.	Suffix	پسوند
Sup.	Superlative	عالی
V.	Verb	فعل

## پیشگفتار

مانی در قرن ۳ در بین‌النهرین نزدیکی بغداد کنونی دیده به جهان گشود. واژه مانی (Lat. Manes ، Gr. Manys) و در آگوستین همیشه (Manichaeus) بیشتر به عنوان و لقب احترام آمیز می‌ماند تا اسم شخصی. یونانیان باستان این واژه را موعظه‌گر ترجمه می‌کردند اما احتمالاً در اصل از واژه Mânâ بابلی-ارمنی گرفته شده است که در میان مندائیان به مفهوم روح روشن معنی می‌داده است. این نام به طور کامل جایگزین نام اصلی وی شد. پدر وی Fâtâk bâbâk از اهالی اکباتان و مادر وی از شاهزادگان اشکانی بود. او از هنگام کودکی دیدگاهی مذهبی به جهان داشت و در اوایل دهه سوم زندگی‌اش بود که شروع به ادعای پیغمبری و انجام موعظه نمود ۱۰.

از آنجا که مانویت تلفیقی از اعتقادات ایرانی، زردشتی، مسیحی و بودائی زهد و عرفان میان‌رودانی (بین/النهرینی) بود، خیلی زود توانست نظر پیروان این سه آیین را به خود جلب کند، زیرا بهترین آموزه‌های این سه را یکجا در خود داشت و رهبران مانوی، با تلاش همه جانبه و در اختیار گرفتن ابزار و لوازم کافی چون: ارائه‌ی اصول مذهبی به روشهای ساده و بهره‌گیری از زبانهای متعدد و قابل فهم اقوام مختلف، مسافرتها‌ی تبلیغی فراوان، راه‌یابی به کانون‌های قدرت مرکزی و نیز محلی، در اختیار گرفتن عناصر نفوذ و بالاخره تسلط به علوم کاربردی روز توانستند خیلی زود پیروان بیشماری نه تنها در تمام امپراطوری ساسانی بلکه فراتر از مرزهای آن به دست آورند.

تاثیر این عوامل در جبهه‌ی مخالف یعنی زردشتیان باعث شد که از یک طرف روحانیون زردشتی، محافظه‌کاری سنتی خود را کنار گذارده، ضمن تکاپوی بیشتر جهت اشاعه‌ی زردشتیگری از طریق بازنویسی کتب، تبلیغ بیشتری کنند و از آن مهمتر دست به نوآوری در کیفیت تبلیغ از جمله تغییر در سیستم نگارش و انتخاب خط مناسب جهت ارائه کتب بزنند و از طرف دیگر گاهی که خود را در موضع ضعف در مقابل حریف احساس کرده و به اقدامات منفی و تحریک‌آمیز در نفی و ضایع نمودن موجودیت رهبران مانوی می‌پرداختند. به طوری که در زمان بهرام شاه ساسانی، بدگویی روحانیون زردشتی منجر به از میان برداشتن رهبر مانویان به سال ۲۷۷ م. در سن ۶۱ سالگی در گندیشاپور گردید.

مانی در نامه‌های متعدد خود را «شاگرد عیسی مسیح» معرفی می‌کرد، از این رو خود را نماینده‌ی مسیح احساس می‌کرد. وی برخی اصول مسیحیت را هرچند به عنوان عناصری روبنائی، در آیین خود به کار گرفته بود. به طوری که تحت تاثیر آنها، نوعی تثلیث را به آیین خود القا کرده بود. اما از آنجا که در نهاد اعتقادی وی اصول زردشتیگری اساس بود، به ثنویت نیز اعتقاد داشت.

۲

نور سرگردان در طبیعت و بعضی انسانها از نظر مادی جزو جدانشدنی عیسی مصلوب است بدان معنا که عنصر فرومایه‌ی جسمانی مسیح نورانی که در قلمرو ماده به صلیب کشیده شد و با دنیای جسمانی آمیخته گردید. درختان که بر حسب عقیده‌ی مانوی قسمت اعظم نور را در بر دارند، صلیب عیسی شدند.

مانی کوشید تا بین مسیحیت و بوداییسم ارتباطی همچون ارتباط با زردشتیگری برقرار کند. وی برای تبلیغ دین خود و بخشیدن وجهه بین‌المللی به آن سروده‌ها و کتب خود را به زبانهای مختلف قبطی، یونانی، آرامی، چینی، فارسی میانه، پارتی و غیره ترجمه کرده بود و بدین سان به انتشار آن اهتمام ورزیده بود. نکته ظریف و جالب، ویژگی‌های زبان‌شناختی واژه‌ها در مقایسه با زبانهای باستان و نیز تغییراتی است که به دلایل مختلف در آنها ایجاد شده اند و نیز واژه‌های دخیلی که در زبان‌های مورد استفاده وی وارد شده بودند.

آثار مانوی به زبان پارتی شامل موضوعاتی از قبیل اصول عقاید، سرودهایی در ستایش ایزدان و رهبران دینی، اندرزنامه‌ها، نامه‌های شخصی، افسون‌ها، دعاها، قصه‌ها و تمثیل‌ها می‌شود. بخش قابل توجهی از این آثار منظوم است. ۳

۱

---

1- [www.websters-online-dict](http://www.websters-online-dict)

2 - BOYCE . M . ACTA IRANICA 9A . TEXTES ET MEMOIRES

۳- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۱: ۲۵)



## مقدمه

بی‌شک مانی یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان و شاخص‌ترین افراد جهان اندیشه و مذهب و زبان بوده است. عشق درونی عظیم این فرد وی و پیروانش را به ترجمه عقاید و سروده‌هایش به چندین زبان قبطی، سریانی، فارسی میانه، پارتی، یونانی، چینی و غیره واداشت و البته او در این راه از هیچ تلاشی مضایقه ننمود. حتی برای فهماندن مفاهیم فکری و مذهبی خود برای افرادی که قادر به خواندن آثار او نبودند عقاید و جهان‌بینی خود را در قالب‌های مختلف در اثری بی‌نظیر و معجزه‌آسا به نام ارژنگ به تصویر کشید.

از جمله زبان‌هایی که مانی آثار خود را به آنها برگردانده بود زبان‌های فارسی میانه و پارتی بودند و سروده‌های وی به این دو زبان برای زبان‌شناسان ایرانی از جمله ارزشمندترین و مفیدترین موارد است.<sup>۱۰</sup>

## آثار به خط مانوی ۲

پس از گسترش کیش مانوی (۲۱۶-۲۷۶ م) در خراسان و ماوراءالنهر به کوشش مبلغان مانوی در سده سوم میلادی زبان پارتی به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغ مورد استفاده مانویان قرار گرفت و کتاب‌هایی به آن زبان تالیف یا ترجمه شد. آثاری از این کتاب‌ها در واحه دوئو-لو-فان (=ترفان) در شمال غرب چین یافت شده است. خطی که برای نوشتن این متون مورد استفاده قرار گرفته، همان خط مانوی - است که به روایتی مانی خود آن را بر پایه خط تدمری که آن نیز برگرفته از آرامی بود - ابداع کرده بود.

در اوایل سده بیستم میلادی از واحه ترهان، واقع در ترکستان چین نوشته‌های مانی و مانویان به دست آمدند. آثار به دست آمده از ترهان قطعه قطعه هستند و جز در مواردی نمی‌توان گفت که این یا آن قطعه از کدام‌یک از کتاب‌های مانی و یا پیروان اوست.

آثار مانی و پیروان او به طور کلی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آثار مربوط به آفرینش جهان و جهانیان

۲- نامه‌های بزرگان دین مانی که به هم نوشته‌اند .

۳- سرودهایی که در ستایش زروان (: خدای مانی) و ایزدان و روحانیان دین مانی سروده شده‌اند .

۴- دعاها و اندرزهای مانی .

از نظر قواعد دستوری اختلاف چندانی میان فارسی میانه کتیبه‌ای ، فارسی میانه مسیحی ، فارسی میانه زرتشتی و فارسی میانه مانوی وجود ندارد . اختلافات بیشتر مربوط به واژه و معنی آن است .

## آثار متاخر مانوی

بیشتر آنها مربوط به فرقه دیناوریه هستند . این آثار - که بیشتر ترجمه از فارسی میانه است - در زمانی به نگارش درآمده که پارسی زبانی مرده بوده است . به همین دلیل است که در بسیاری از موارد تاثیر واژه‌ها و گاه نکات دستوری فارسی میانه را می‌توان در آنها مشاهده کرد . به علاوه در میان دست‌نوشته‌های پارسی مانوی که در ترکستان چین یافته‌اند ، قطعاتی نیز به خطوط ترکی اوغوری ، سغدی و حتی چینی دیده می‌شود . آثار مانوی به زبان پارسی شامل موضوعاتی از قبیل اصول عقاید ، سرودهایی در ستایش ایزدان و رهبران دینی ، اندرزنامه‌ها ، نامه‌های شخصی ، افسون‌ها ، دعاها ، قصه‌ها و تمثیل‌ها می‌شود . بخش قابل توجهی از این آثار منظوم است .

## الفبای مانوی

الفبایی که آثار مانوی و پیروان او بدان نوشته شده الفبایی است که از اصل سریانی گرفته شده است . نشانه‌های الفبای مانوی از راست به چپ و جدا از هم نوشته می‌شده‌اند . در نوشته‌های مانوی هزوارش به کارنرفته است . الفبای سریانی از الفبای آرامی گرفته شده است .

آرامی	مانوی	فارسی میانه
ʾ	ܐ	a, ā
b	ܒ	b
(β)	ܒ	β
g	ܓ	g
(γ)	ܓ	γ
d	ܕ	d
h (h)	ܚ	a
w	ܘ	w
(u)	ܘ	u
z	ܙ	z
h (h)	ܚ	h
t	ܚ	t
y	ܚ	y
k	ܚ	k
(x)	ܚ	x
l	ܚ	l
(δ)	ܚ	δ
m	ܚ	m
n	ܚ	n
s	ܚ	s
ʿ	ܚ	Ø
p	ܚ	p
(f)	ܚ	f
s (c)	ܚ	c
(j)	ܚ	j
q	ܚ	q
r	ܚ	r
s	ܚ	s
t	ܚ	t

خط مانوی از راست به چپ نوشته می‌شود و مهم‌ترین ویژگی آن نبود هزوارش در آن است و این خود ، خواندن این خط را بسیار آسان می‌کند . به علاوه ، بزخلاف خط پارسی ، که در آن هر حرف می‌تواند ارزش‌های آوایی متفاوت داشته باشد ، در خط مانوی هر یک از حروف تنها یک ارزش آوایی دارد .

آثار پارسی به خط مانوی عبارت‌اند از :

آثار مانی و شاگردانش که در زمان زنده بودن زبان پارتی (سده‌های سوم و چهارم میلادی) تالیف شده‌اند. مهمترین اثر از این نوع قطعاتی از کتاب اردهنگ و فراس «آموزش ارژنگ» در تفسیر کتاب معروف مانی، ارژنگ است.

بی‌شک مؤلف برخی دیگر از قطعات به دست آمده پارتی **امو** بود که چون خط و زبان پارتی را می‌دانست و برخی از شاهزادگان اشکانی را می‌شناخت، با سمت آموزگار از جانب مانی برای تبلیغ دین به ابرشهر فرستاده شد.

در این تحقیق سعی شده ریشه فعلی افعال و سایر مشتقات فعلی که در اصل از زبانهای اوستا و یا فارسی باستان گرفته شده‌اند مشخص شوند. برای انجام این مهم ابتدا تقریباً تمامی واژه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس آن دسته از واژه‌ها که ریشه آنها به طور قطعی از این دو زبان به دست آمده به همراه توضیحی راجع به سیر تحولات زبان شناختی ارائه شده‌اند. گیلن در سال ۱۹۳۹ در کتابی به نام *essai sur la langue Parthe* اشتقاق اکثر واژگان مانوی پارتی و تعداد کمی از واژه‌های فارسی میانه مانوی را مورد بررسی قرار داده است، اما در اینجا کاری کاملتر به همراه سایر نظریات و آراء مهم ارائه شده است.

پروفسور مری بویس رساله دکتریش متون مانوی بوده است تمام واژگان مانوی فارسی میانه و پارتی را در سال ۱۹۵۴ تحت عنوان *The Manichaean hymn-cycles in Parthian* به چاپ رسانید.

با انجام این پژوهش می‌توان به این پاسخ دست یافت که تا چه اندازه واژگان مشترک بین زبان فارسی میانه ترفانی و فارسی میانه زرتشتی وجود داشته و ریشه افعال این دو زبان تا چه اندازه از زبان فارسی باستان و یا اوستا بوده‌اند و پیشوندها و پسوندهای مکرر در کنار این ریشه‌ها چه تاثیری هم از لحاظ معنایی و نیز آوایی بر جای گذاشته‌اند.

۱- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۵)

۲- رضایی باغبیدی، حسن؛ (۱۳۸۱: ۲۱)

# بخش اول

حرف نوشت، آوانوشت و معنی واژه ها

معنی	آوانوشت	حرف نوشت
زمان	āyām	"g'm
آویخته، بسته شده	āgust	"gwst
آمیزه، آمیختگی	āmēy	"myy
شستن، حمام کردن	āsnāy	"sn'y
عقیده، حرفه	āstawāni	"stw'nyy
آوا	āwāg	"w'g
تحریف شدن، به کیش دیگر در آمدن	āwuhr	"whr
آمدن	āy	"y-,"yy
حریق، آتش	*āyēb	"yb
هدیه	āyaft	"ypt
آزاد	āzād	"z'd
آباد	ābād	'b'd
تابش آفتاب	abdāb	'bd'b
رها کردن	abdāz-	'bd'c-
رها کننده	abdāzāg	'bd'c'g
مهاجم	abadāg	'bd'g
اطمینان دادن	abdrinj	'bdrynj
بازکردن	abδarz-	'bdrz-
گریختن	abdaxtan	'bdxtn
گفتن، توضیح دادن	aβδēs	'bdys -

'bg'w	aβyāw	افزایش
'bg'w-	aβyāw-	افزودن
'bywnd	abyund	برملاکردن، فاش ساختن
'bgwš	abyuš	ساکت
'bhysš	abhiš	رها کرده
'bj'm'd	abžāmād	آزاده کرده
bj'm'yšn	'abžāmišn	آزار، عذاب
'bn's	abnās	ویرانی
'bnft <sup>r</sup>	aβnaft	رها کرده
'brwc-	abrōz-	افروختن
'bsyst	absist	متوقف شده
'bwyn-	abwēn-	تنفر داشتن
'bxrws -	abxrōs-	خروشیدن
'bxš'h -	abaxšāh-	بخشاییدن
'bxš'hyšn	abaxšāhišn	بخشایش
'bxš'yd	abaxšāyīd	بخشاییده
'bxš'yšn	abaxšāyišn	بخشایش
'by'd	aβyād	یاد، خاطره
'by'dgr	aβyādgar	یادگار
'by'st'r	abēyāstār	بی گناه
'by's t'ryft	abēyāstārīft	بی گناهی

'byk'r	abēkār	بی‌کار، بی‌فایده
*.'byr'z	abērāz	بی‌وقفه (؟)
'bysp'r	abispār	سپردن
'byst'g	abistāg	آموزگار
byst'wg	'abistāwag	مرتد
'bysh-	abisīh-	بریده شدن
'bz'y	abzāy	افزودن
'bzw	abzaw	افزودن
'bzwn	abzōw	افزون
'b'n	adān	نادان
'dyh	adīh	وارد شدن
'dyn	adēn	ورود
'dyn -	adēn-	وارد کردن
'dyšg', 'dyšg'	*aḏēšag	علامت (؟)
'dyšg <sup>۲</sup> , 'dyšg <sup>۲</sup>	*ašēšag	نگهبان
'fr'h, 'pr'h	āfrāh	تعلیم، آموزش
'fr's	āfrās	تعلیم، آموزش
'frydg	afrīdag	ستاییده
'fwr, 'pwr	āfur	ستایش کردن، ستوده، آفریده، آفریدن
'gd	āyad	آمد
'gr'w	agrāw	نیک، عالی



'gr'yh	agrāyīh	نیکی، تعالی
'h - ,h -	ah - 'h -	بودن
'hr'm	ahrām	فراز رفتگی، عروج
'hr'm -	ahrām -	بالا بردن، بالا رفتن، عروج کردن
'hr'mysn	ahrāmišn	عروج، رحلت، رهایی
'hr's	ahrās	ترس
'hr's'd	ahrādsād	ترسیده
'hynz -	āhinz	کشیدن
'jwn, 'jwn	āžōn	باززایی
'mb'r -	ambār-	پرکردن
'mb'rg	ambārag	انبار، ذخیره
'mbst	ambast	سقوط کرده
'mbwy'd	ambōyād	بوسیده
'md	āmad	آمد
'mdyšnyh	āmadišnīh	آمدش، آمدن، ظهور
'mhr'spnd'n , mhr'spnd'n.	(a)mahrāspandān	امهر سپندان، نامیرایان مقدس
'mwc	ammōž	آموختن
'mwc'g, 'mwcg	ammōžāg	آموزگار
'mwrđ - /'mwrt -	amward-	برگشتن (در زبان پارسی گرد آوردن)
'mwrzyd	āmurzīd	آمرزیده

'mwst -	amwast -	ایمان آوردن، ایمان، مؤمن
'mwstyg'n	amōstīgān	مستحکم، نیرومند
'mwštɡ	amwaštɡ	گرد آمده
'mmwxtɡ	ammōxtɡ	آموخته
'mz -	āmaz-	شکستن، نابود کردن
'n'mwrzyg	anāmurzīg	بی‌آمزش
'n'mwrzygh	anāmurzīgīh	نیامرزیدگی
'n'wdyr	'n'wdyr	بی‌حرکت، مقیم
'n'wrd	anāward	بی‌پایان
'n'z'r	anāzār	بی‌آزار
'ndrxt	andrxt	شکست خورده
'ndyš-	andēš -	اندیشیدن
'ndyšyšn	andēšišn	اندیشه، چهارمین اندام روح
'ng'r, 'nng'r	angār	انگار، حدس
'ng'wg	angāwag	پایان
'njmn	anjaman	انجمن، همایش، گروه
'njwg	anjīwag	زندگی بخش، منجی
'nmbr -	anambar -	گردهم آمدن
'nrgypt	anaryīft	بی‌ارزشی
'pr <sup>1</sup>	appar	دزدی، (در جمع) طبقه دیوان
'pr -	'ppar -	دزدیدن

'prdr	appardar	دزدی بیشتر
'prgyh	'pparagīh	دزدی، غارت
'pryy	apparī	دزدی
'pt'b	aftāb	آفتاب، تابش خورشید
'pwr / 'pwwr	āfur	آفرینش
'pwr -	appur -	دزدیدن
'pyd	apēd	عزیمت کردن
'r'm, ''r'm	'r'm, ''r'm	منزلگاه
'rws -	ārwiś -	رو آوردن، مواجه شدن
'rwy	arōy	گیاه
's- / ''s-	ās -	آمدن
'st'rg	astārag	ستاره
'sp's	aspās	سیاس، خدمت
'st'	ast	است
'st	ast	ساکن بودن
'st'rgr	āstārgar	گناهکار
'stw'n, ''stw'n	āstwān	معترف
'šk'rg	āškārag	آشکار
'šm'ryh	ašmārīh	بر شمردن
'šn's -	ašnās -	شناختن، فهمیدن
'šnw -	ašnaw -	شنیدن

'šnw'g	ašnawāg	شنونده
'šnwyšn	ašnawišn	شنودن
'šnw'g	ašnawāg	شنونده
'šnwyšn	ašnawišn	شنودن
'w'c -	'w'c -	فراخواندن
'w'm <sup>1</sup> , 'w'm	āw'm	زمان، دوره، موقعیت
'w'wryg	awāwarīg	ناباور
'w'y -	āwāy	منجرشدن، آوردن، به (خشم) آوردن
'wb'r -	ōbār	بلعیدن
'wb'y -	ōbāy -	دفاع کردن، نگهبانی دادن
'wbyst	ōbist	سقوط کردن
'whrmyzd	ō(h)hrmizd	اورمزد
'wjn -	ōžan -	کشتن
'wjy'n	ōžayān	کشنده
'wsnyndyft	ōsanendift	سقوط
'wstyg	ōstīg	مستحکم، استوار
'wsx	ōsaxt	فرود آمدن
'wx <sup>1</sup>	ōx	هستی
'wyst - , 'wst - .	awišt	گذاشتن، قرار دادن
'wysw'r	awistwār	استوار، بزرگ، نگهبان
'wyšt-	awišt	ایستادن، ایستاده، بود